

!تو دختری یا پسری؟

سحر سلطانی //

۱- در گروه مادران، یکی از آن‌ها به تازگی دومین فرزند خود را به دنیا آورده است. از ده روز اول تولد و سختی چ‌های آن می‌گوید. ذکر این روزهایش گویی زخم قدیمی اما خون‌ریز بسیاری از مادران را باز می‌کند. هر یک خاطره‌ای شفاف از سالیان دور دارند؛ زمانی که با همه وجود نیاز به همراهی و همدلی همسرشان داشتند اما او هیچ مهارتی برای مواجهه با زنی که تازه زایمان کرده و نوزادی که مانند یک آدم فضایی در سرزمین آن‌ها فرود آمده نداشته است. از زخم تنهایی و خستگی می‌گویند و این که مدام در گوششان از یک‌سو خوانده می‌شود مادری مقدس‌ترین اتفاق بشری است و از سوی دیگر که همه این رنج‌ها و خستگی‌ها طبیعی است، مگر چه کار شاقی کرده‌ای؟ مادران ما هم زاییده‌اند و این همه ناز نداشتند! افسردگی پس از زایمان در میان بسیاری از مادران این جمع شایع بوده و مهمترین عامل آن را خستگی، بی‌خوابی، بهت، حس تنهاماندن و ناتوانی محض در شرایط جدید می‌دانند و اینکه انفعال شوهر و اطرافیان می‌توانسته آن‌ها را تا مرز نفرت از خود و آن‌ها پیش ببرد.

۲- صفحه کمپین «قصه، رنگ، توپ» و فعالیت‌های اسماعیل آذری‌نژاد در روستاهای کهگیلویه و بویراحمد و ترویج کتاب‌خوانی، بازی و رنگ‌آمیزی را پیگیری می‌کنم. این روزها باز هم از خودسوزی و خودکشی دختران و زنان روستایی می‌نویسد. از کمر زخم‌شده زنی که هر صبح باید از کوه هیزم جمع کند، نان بپزد شیر بدوشد و هنگامی که از شوهرش می‌خواهد او هیزم جمع کند و بیاورد پاسخ می‌شود: «زشته زن!» «این زنان در محروم‌ترین روستاهای ایران خسته و افسرده، تن خود را به آتش می‌سپارند شاید همدلی بعد از مرگ برای خود بیابند.

۳- تعدادی از پسرچه‌های چهار- پنج ساله‌ام همواره یک عروسک با خود همراه دارند و همه‌جا دنبال خود می‌کشند از پدر تا بستگان ذکور نزدیک مدام می‌شنوند: «مگه دختری همش عروسک بغل می‌کنی؟» «و از طرفی پسرچه‌هایی داریم که هیچ علاقه‌ای به سلمانی و کوتاه کردن مو ندارند. موهای بلند اما مرتبی دارند. در هر جمع جدیدی باز هم پسر بودنشان به آن‌ها تذکر داده می‌شود تا یادشان نرود که موی بلند برای دخترهاست و آن‌ها» مرد «هستند.

۴- خبر کوتاه است و سهمگین: حذف دفتر امور زنان و خانواده در وزارت آموزش و پرورش ایران.

همه ما مدت‌هاست از کلیشه‌های رایج جنسیتی در ایران می‌خوانیم و می‌نویسیم اما هنوز تغییر چشمگیری در نگاه کلان جامعه به همدلی و رواداری انسانی به جای خط‌کشی جنسیتی و تحمیل نقش‌ها مبتنی بر آن رخ نداده. چه باید کرد؟ به گمانم فصل تصمیم‌گرفتن است. زمان آن رسیده که تغییرات را از خانه‌های خود شروع و مطالبه اجتماعی آن را آغاز کنیم. ۱/ بازی برای کودکان به‌ویژه زیر شش سال به مثابه دانشگاه است. با خریدن صرفاً اسباب‌بازی‌های اصطلاحاً پسرانه مانند تفنگ، توپ و ماشین و لگو و ربات که آن‌ها را برای «بیرون-زیستی» از خانه تربیت می‌کند و این کلیشه را در ذهن آن‌ها ایجاد می‌کند که امورات بیرون از خانه مانند رانندگی، ساخت‌وساز، مبارزه و ورزش مهم‌تر از پخت‌وپز، دوخت‌ودوز و بچه‌داری در خانه است. برای فرزندان پسر خود عروسک و ظروف آشپزخانه هم بگیریم و با آن‌ها خاله‌بازی و مامان‌بازی را تمرین کنیم. ۲/ وقتی در جمع‌ها می‌بینیم به ظاهر و یا انتخاب اسباب‌بازی توسط کودکان برچسب جنسیتی زده می‌شود و جنسیت او زیر سوال می‌رود بلافاصله واکنش موثر و حمایتی نشان دهیم و خاطرنشان کنیم رنگ صورتی لباس، داشتن عروسک یا موی بلند برای آدم‌هاست و نه فقط دخترها.

۳/ آموزش همسان نقش‌ها بین دختران و پسران و به رسمیت شناختن انتخاب آن‌ها یکی از مهمترین اصولی است که والدین و مربیان باید آن را ادراک و اعمال کنند.

۴/ والدین بهترین الگو برای کودکان هستند وقتی پدر خانواده در آشپزی، شستن ظروف، لباس، سرویس بهداشتی در کنار مادر همکاری نمی‌کند، نمی‌توان توقع تربیت پسرانی همدل و برابرزیست داشت. اگر احساس نیاز به تغییرات اصولی در جامعه امروز ایران داریم از خودمان شروع کنیم.

منبع: [الفبا](#)